

رابطه جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان جوان دانشگاه تهران

سهراب رشتیانی^۱

حمید رحیمیان^۲

عباس عباس پور^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱۸

گرایش به تحصیلات دانشگاهی در بین جوانان همچنان رو به افزایش بوده و از طرفی در طول سالیان اخیر مشارکت اجتماعی نیز دچار تغییرات بسیار زیادی گردیده است. دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم و ارزش، بر فردی ترین تا جمعی ترین رفتار دانشجویان تاثیر می گذارد. هدف این تحقیق، بررسی رابطه جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان ۱۸ تا ۲۹ سال، دانشگاه تهران در چهار گروه آموزشی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی تشکیل داده اند که ۳۸۲ نفر بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. پژوهش به روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام شده است. در مبانی نظری از نظریه‌های مرتبط استفاده شده و در پایان مدل نظری تحقیق، طراحی گردیده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه است که بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخ‌گویان توزیع گردید. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

با توجه به سطح متغیرها، از آزمون پیرسون استفاده شد و در نهایت طبق میزان بتای مدل رگرسیون تاثیر متغیرهای مستقل به این ترتیب بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان دانشجو تأثیر گذارند: اصول و ارزش

^۱ دانشجوی دکتری، مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Rashtiani^o@yahoo.com

^۲ دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

^۳ دانشیار، گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

های اخلاقی با میزان بتای ۰/۵۳۳، سن به میزان ۰/۲۱۸، طبقه اقتصادی- اجتماعی به میزان ۰/۲۷۴، موفقیت علمی به میزان ۰/۴۳۳ و تعاملات و ارتباطات ۰/۳۸۲. مقدار ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۴۱$ می باشد.

واژگان کلیدی: جامعه پذیری دانشگاهی، مشارکت اجتماعی، دانشجویان و جوانان

انسان ها تحت تاثیر محیط اجتماعی خود قرار دارند؛ این تاثیرگذاری در ابعاد مختلف زندگی فرد است و از فردی ترین جنبه تا اجتماعی ترین آن را در بر می گیرد. افراد تحت تاثیر نوع جامعه پذیری که در آنها شکل گرفته، کنش ها و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهند و نوع جامعه پذیری آنها بر سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی تاثیر می گذارد. دانشجویان به عنوان افرادی که چند سال از عمر خود را صرف آموختن می کنند، رفتارها و کنش هایی را خودآگاه یا ناخودآگاه تحت تاثیر این محیط از خود نشان می دهند. (قانع راد و رشتیانی، ۱۳۹۱: ۴۵) دانشگاه به عنوان نظامی اجتماعی، بیش از هر چیز مجموعه ای از مناسبات انسانی بین اعضای این جامعه به ویژه جوانان دانشجوی و اساتید (باهم‌دیگر و با یکدیگر) است. (قانع راد و حسین ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹) و افرادی که وارد این فضای علمی می شوند، از فضای این محیط تاثیر می پذیرند و این تاثیر در تصمیم گیری ها و اولویت های زندگی اثرگذار می شود. دانشجویان که معمولاً در سنین جوانی و زیر سی سال وارد محیط دانشگاه می شوند، بیشتر تحت تاثیر قرار می گیرند و زندگی اجتماعی خود را با قرارگرفتن در گروه های اجتماعی تجربه می کنند و سرمایه اجتماعی خود را تقویت می نمایند. یکی از ابعاد و شاخص های کلیدی سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی یک پدیده اجتماعی پیچیده، چندبعدی و چندسطحی است که به عوامل مختلفی بستگی دارد و از جامعه ای به جامعه دیگر و از مکانی به مکان دیگر و در زمان های مختلف متفاوت است. (وکیل ها، ۱۳۹۵: ۶۵). ماهیت نظری و عملی مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی - انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۶۵). از جمله نمودهای رشد اجتماعی افراد، میزان مشارکت آنان در فعالیت های اجتماعی و فرهنگی و میزان مسئولیت پذیری آنان برای ایفای نقش مثبت در جامعه است. (سرمست، ۱۳۹۵: ۱۳) توجه به مشارکت اجتماعی و روش های ارتقای آن این نقص را برطرف می کند. دانشجویان از گروه های مرجع در جامعه هستند. با اشاعه فرهنگ مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری در محیط دانشگاه امکان اشاعه آن در سطح جامعه هم فراهم می شود و اموری مانند تعاون، همیاری و همدردی در جامعه رشد پیدا می کند (عنبرسوز، ۱۰: ۱۳۸۸).

دانشگاه به عنوان یکی از متولیان جامعه پذیری دانشگاهی، رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر و توسعه علم و پژوهش را بر عهده دارد. بنابراین جامعه‌پذیری و انتقال ارزش ها و هنجارهای علمی را می

توان از جمله مهم ترین کارکردهای دانشگاه ها به شمار آورد. افرادی که وارد دانشگاه می شوند، مجموعه ای از ارزش های متناسب با ویژگی های فردی و خانواده خود و نیز فرهنگ عمومی را به همراه دارند. از سوی دیگر، دانشجو در دانشگاه در درون خرده فرهنگ خاص علمی قرار می گیرد که از بدو ورود تا اتمام دوره زندگی دانشجویی خود در این نهاد به یادگیری و فراگیری ارزش ها و هنجارها می پردازد. بنابراین اگر این نهاد بتواند ارزش ها و هنجارهای خود را به طور موفقیت آمیز درونی کند، فرد قادر خواهد شد که آموخته خود را در نوع مهارت و بکارگیری آن عملی سازد. در محیط دانشگاه، جامعه پذیری به دو صورت رسمی در سرکلاس و غیررسمی که توسط نهادهای مسئول و نیز ارتباطات و تعاملات دانشجو با دانشجو و دانشجو با استاد صورت می گیرد. نتایج پاره ای از تحقیقات نشان می دهد که این مسئله در جامعه دانشگاهی وجود دارد و صورت نگرفتن جامعه پذیری دانشگاهی به طور صحیح بر زندگی اجتماعی تاثیر زیادی داشته است. بر طبق پژوهش های مرتبط، حدود ۸۲ درصد از دانشجویان دکتری مورد مطالعه میزان عینیت مسائل و چالش های ۲۶ گانه مورد مطالعه در محیط علمی و آموزشی خود را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده اند. این موضوع نشان دهنده آن است که به رغم بسیاری از توفیق ها و موفقیت ها، نظام آموزش عالی ایران با مسائل و چالش های اساسی روبروست و این مسائل تاثیر زیادی بر عملکرد و اثر بخشی مجموعه دانشگاه و دانشگاهیان دارد. ضعف محیط علمی در درونی کردن هنجارهای دانشگاهی در دانشجویان دارای هفتمین رتبه در بین مسائل ۲۶ گانه است. یافته های تحقیقات قاضی طباطبایی و مرجانی و دادحیر و فاضلی پیرامون کارایی فضای دانشگاهی ایران در ایجاد و پرورش هنجار دانشگاهی، نشانگر ضعف آن و عینیت ضعیف آن در رفتار و گفتار دانشگاهیان است (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۹). قانعی راد در پژوهشی پیرامون تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان، نشان می دهد که میزان تعامل دانشجویان با میزان یادگیری تعاملی و احساس خوداثربخشی آنها ارتباط دارد (قانعی راد، ۱۳۸۹). از سویی، ناتوانی دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی علمی کشور در اجتماعی کردن و انتقال ارزش ها و هنجارهای خویش به دانشجویان و اساتید و پژوهشگران را می توان ناشی از فقر فضای ارتباطی در این محیط های علمی دانست. (قانعی راد و قاضی پور، ۱۳۸۱). همچنان که "فعالیت گروه در گروه مشارکت اعضا آن گروه است و مشارکت اعضا هویت زندگی گروهی را تداوم می بخشد" (من فرد، ۲۰۱۱). یگانگی حاصل از مشارکت اعضا، شرط بقای جامعه است. هر چه این همبستگی بیشتر باشد، نظم اجتماعی بهتری برقرار خواهد شد و هنجارها بیشتر مورد احترام قرار خواهند گرفت. (موسوی، ۱۳۹۱: ۶۵).

طبق آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، هرساله هزاران جوان وارد دانشگاه های مختلف کشور می شوند و در طی سالیان دانشجویی، مدیریت جامعه سرمایه گذاری زیادی برای آنها می کند تا به اهداف خود در انتقال ارزش ها و هنجارها دست یابد. در این میان، بسیاری از ارزش ها و هنجارها نیز ناخواسته به جوانان منتقل می شوند که کارکرد پنهان دانشگاه است. باید توجه داشت که میزان گرایش به دانشگاه در ایران نیز همچون سایر جوامع رو به افزایش بوده و در طول سالیان اخیر سرمایه اجتماعی بخصوص مشارکت اجتماعی افراد نیز دچار تغییرات بسیار زیادی گردیده است. دانشجویان از جمله گروه های اجتماعی جامعه هستند که به دلیل جوان بودن، تحرک و شور اجتماعی بیشتری دارند که آنها را وادار می دارد در امور اجتماعی فعال تر باشند. بنابراین در این جا این سوال مطرح می شود که آیا ارزش ها و هنجارهای علمی به دانشجویان جوان انتقال یافته است؟ و در صورت انتقال، آیا این جوانان توانسته اند مشارکت اجتماعی بیشتری در جامعه داشته باشند؟

این پژوهش به دنبال تعیین رابطه جامعه پذیری دانشگاهی بر مشارکت اجتماعی جوانان بوده است.

اهداف پژوهش

۱. بررسی و شناخت وضعیت موجود جامعه پذیری دانشگاهی دانشجویان ۱۸ تا ۲۹ سال دانشگاه تهران؛
۲. بررسی و شناخت وضعیت موجود مشارکت اجتماعی دانشجویان ۱۸ تا ۲۹ سال دانشگاه تهران؛
۳. بررسی و شناخت رابطه جامعه پذیری دانشگاهی با مشارکت اجتماعی دانشجویان ۱۸ تا ۲۹ سال دانشگاه تهران.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

جامعه پذیری به عنوان فرآیندی ناآگاهانه که به وسیله آن اشخاص استانداردها و هنجارهای رفتاری را درونی می کنند و به احساس هویت و تعهد برای رشته حرفه ای شکل می دهند، در نظر گرفته می شود. (Widman, 2010: 20). جان سی ویدمن^۱ معتقد است جامعه پذیری در برنامه ها، فرآیند غیرخطی است که در طول آن هویت و تعهد از طریق تجربه ها به دو شکل رسمی و غیر رسمی گسترش می یابد. همانطور که گروه های مرجع شخصی و حرفه ای در بیرون دانشگاه این گونه هستند. تاثیر عناصر متفاوت در فرآیند جامعه پذیری و نتایج قابل پیش بینی آن متفاوت است و پیوسته در حال گسترش است. برون

^۱ Weidman, John C.

داد(نتایج) جامعه پذیری، وتعهد برای یک نقشی که هنجاری و منحصر به فرد تعریف شده است. (Widman, ۴۸:۲۰۰۱). جامعه پذیری پویا و مداوم، بدون ابتدا و انتهاست و "جامعه پذیری دانشگاهی، مفهومی چند بعدی، سیال، مرحله ای و تکامل یابنده است. گذر از مراحل جامعه پذیری را به حرکت قطار از ایستگاه های خاص تشبیه کرده اند که شامل حرکت همزمان، متوالی و در مواقعی چرخه ای، از ایستگاه های رسمی، غیررسمی، انتظاری (رفتاری، شناختی، انگیزشی) و شخصی است که شامل مراحل جامعه پذیری ویژگی های مورد انتظار، جامعه پذیری رسمی، جامعه پذیری غیررسمی و جامعه پذیری شخصی است". (Tierney, W. G , and Rhoads, R. A. ,۱۹۹۴). "این چارچوب توسعه یافته برای درک روندهای موقتی جامعه پذیری دانشجویان، با دو ویژگی زیر برای درک پویایی برنامه های حرفه ای و فارغ التحصیلی، برجسته و مهم هستند: ۱- این که جامعه پذیری یک روند فرایندی است؛ ۲- عناصر اصلی و معین(فراگیری دانش، سرمایه گذاری و درگیری) با توسعه و تکوین تعهد و هویت حرفه ای ارتباط دارند. (Weidman. J. c, Twale. D. J, Stein. E. L, ۲۰۰۱).

در حوزه جامعه پذیری دانشگاهی رویکردهای متفاوتی از سوی مکاتب و صاحب نظران این حوزه مطرح شده است که در نگاه کلی می توان بخش اعظم آن را در چند رویکرد تقسیم بندی کرد. در بخش اول سه رویکرد برجسته این حوزه پرداخته می شود سپس دیدگاه های نظریه پردازان تشریح می شود.

الف) رویکرد ساخت هنجاری علم: بنا بر این رویکرد، نهاد علم دارای مجموعه ای از ارزش ها و هنجارهاست که از طریق فرایند جامعه پذیری به دانشجویان انتقال می یابد و توسط پاداش ها و تنبیهات، تقویت و کنترل می شود. در واقع، «فعالیت علمی» ناشی از نظامی از روابط اجتماعی ای است که خود تحت تاثیر هنجارهای علمی، سازمان یافته، هدایت و کنترل می شوند. بدین ترتیب، کنشگران دانشگاهی در درون یک نظام اجتماعی سازمان می یابند و این نظام باید همانند سایر نظام های اجتماعی به طریقی کارکردگرایانه مورد تحلیل قرار گیرد. مرتن سرشت علم را مرکب از مجموعه ارزش ها، هنجارها و قواعدی می دانست که از جانب نهاد علم به رسمیت شناخته می شود. (ریتزر، ۱۳۷۳:۲۳۴)

ب) رویکرد سازمان اجتماعی علم: این رویکرد که بن دیوید از بنیان آن به شمار می رود بر سازمان اجتماعی درون نهاد علم و تاثیر این سازمان بر رشد و شکوفایی علم تاکید دارد و فرض بنیادین این رویکرد، "تاثیر تعیین کننده عامل سازمانی بر رشد و پیشرفت علمی" است. اشکال سازمانی، سیستم های تصمیم گیری، نقش های علمی در سازمان های علم و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، تمرکزگرایی یا تکررگرایی در نظام دانشگاهی، نحوه ارتباط آموزش با پژوهش در درون سازمان های علمی، میزان تمایز و

تخصصی شدن نقش های علمی و نسبت اعضای جامعه علمی با این نقش ها، میزان نهادی شدن نقش های علمی در درون سازمان های علمی، انواع و مقدار حمایت از این نقش ها، رابطه بخش های سازمانی مختلف در درون نظام دانشگاهی یا هر سازمان علمی از جمله محورهای مطالعاتی در این رویکرد به شمار می رود.

ج) رویکرد کارکردگرایی برونگرا: به تحلیلی ساختی- کارکردی از نهاد علم می پردازد و در چارچوب بررسی روابط کارکردی بین نهاد علم و سایر نهادها، مفاهیم "تمایز ساختی"، "تمایز فرهنگی" و "ادغام" را به عنوان مفاهیم نظری این رویکرد برجسته می کند.

کاناوو نمونه مندرج در شکل را از نظریه ساختار هنجاری علم مرتن ارائه می دهد. همانطور که شکل نشان می دهد آداب علم بر اخلاق علمی مبتنی است و اخلاق علمی نیز ریشه در الگوها و نمونه های شناختی دارد. همچنین، الگوها و نمونه های شناختی نیز از تجربیات انسانی و اجتماعی متنوعی ناشی می شوند. این نمونه به همان نسبتی که تفاوت های ممکن در الگوهای شناختی را ناشی از تجربیات اجتماعی متفاوت می داند، در پی تبیین عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اخلاق، آداب و الگوهای رفتار علمی و همچنین اقامه ادله برای ارزش های متفاوت پژوهش های کاربردی- فنی و بنیادی است.

الگوهای رفتاری



هنجارها



ارزش ها



اخلاق



الگوهای شناختی



تجربه

پایه های آداب در علم (Cannavo L, ۱۹۹۷)

هدف جامعه پذیری دانشگاهی، ایجاد بینش بالقوه مفید برای اصلاحات و تلاش برای درونی کردن ویژگی های دانشجویی با مهارت های بالفعل در سطح جهانی است. (Robert and al, ۲۰۱۷)

وجود فرآیندهای جامعه پذیری در جوامع علمی از شرایط ضروری برای ادغام افراد در اجتماعات و مشارکت اجتماعی است. آموزش عالی نوعی جامعه پذیری جدید برای دانشجویان می باشد و کارکرد اجتماعی کردن در نظام آموزشی عالی از اهمیت زیادی برخوردار است. از دیدگاه جامعه شناختی ورود جوانان دانشجو به محیط دانشگاه به معنای عضویت در یک اجتماع علمی - فرهنگی با مناسبات، روابط، ارزش ها، هنجارها و نمادهای خاص خود است. جوانان با ورود به این محیط دارای ساختار اجتماعی - مناسبات و روابط بین دانشجویان از یک سو و دانشجویان و اساتید از سوی دیگر - و فضای فرهنگی ویژه خود، با فرآیند جامعه پذیری رو به رو می شوند و با فرض موثر بودن این فرآیندها به درونی سازی ارزش ها و هنجارهای شناختی و اجتماعی می پردازند. اجتماعی شدن دانشگاهی، فرآیندی است که طی آن جوانان تازه وارد را به دانشجویانی آگاه و آشنا با هنجارهای شناختی و اجتماعی و الگوهای رفتاری مورد انتظار تبدیل می کند. "فرآیندهای جامعه پذیری، باورها، ارزش ها و هنجارهای فرهنگی را به تازه واردان منتقل می کنند. رابطه جوان با محتوا از طریق تعامل با کارگزاران جامعه پذیری افرادی پرورش می یابند که نسبت به ارزش ها، نظریات و فنون ویژه علم مقید است. بدین ترتیب در دنیای دانش، جامعه و فرهنگ یا اجتماع علمی و الگوهای شناختی از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. فرآیندهای جامعه پذیری پیوستگی بین تعاملات اجتماعی و تکوین یا انتقال محتوای شناختی را برقرار می کنند". (قانعی راد و حسین ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹)

امروزه، مشارکت جوانان به عنوان مؤلفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته می شود و روز به روز بر اهمیت آن تأکید می شود. در این میان، برخی صاحب نظران چون مولیناس^۱ با بهره گیری از اندیشه کلمن^۲ که به طرح سرمایه اجتماعی^۳ پرداخته است، معتقدند که با افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه، مشارکت اجتماعی بسط و گسترش می یابد و سرمایه اجتماعی را یک نوع خیر همگانی^۴ می دانند. به نظر مولیناس، سرمایه اجتماعی محصول فعالیت های اجتماعی و شبکه های عمیق تعاملی است که اعضای جامعه را به همکاری، تعاون و مشارکت ترغیب می کند (Molinas, ۱۹۹۸: ۴۱۶). به نقل از یعقوب زاده، ۱۳۸۶:

^۱Molinas

^۲coleman

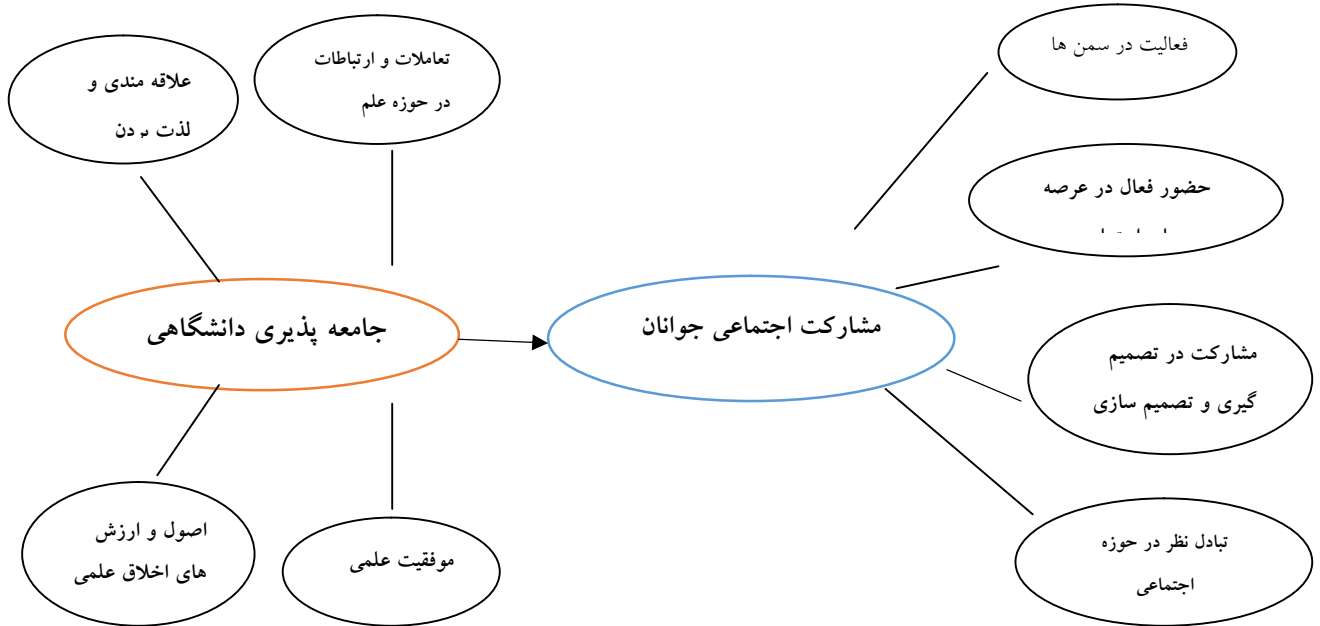
^۳Social capital

^۴Public good

۶۴). اینگلهارت^۱ معتقد است: "متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی، اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر می‌گذارند". هانتینگتون^۲، نیز در پژوهش خود به بررسی رابطه بین متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که دخالت در فعالیت‌های اجتماعی و سازمان‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است (سرمست، ۱۳۹۶: ۷۱). اکسلرد^۳، کوئن^۴، وربا^۵ و نای^۶ در مورد تأثیر تحصیلات افراد بر مشارکت اجتماعی آنان معتقدند که معمولاً هرچه سطح تحصیلات بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیریش در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر است (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۸۵). براساس یافته‌های تحقیق اکسلرد، میزان مشارکت در خانواده‌هایی با درآمد بالا و نیز افراد با تحصیلات بالا دو برابر خانواده‌های کم درآمد و افراد با تحصیلات پایین می‌باشد. لیپست از دیگر نظریه پردازان نوسازی نیز در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویش‌های اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست بر آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقدار و گروه‌های مختلف اجتماعی را بر اساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی نظیر انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند. میزان مشارکت در فرآیندهای اجتماعی در میان مردان، گروه‌های تحصیل کرده، متأهلین، شهرنشینان، افراد میانسال و نیز افراد دارای منزلت و همچنین اعضای سازمان‌ها، احزاب، سندیکاها و شوراهای بیشتر است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۴). همان‌طور که بیشتر نظریه پردازان نشان داده اند متغیر تحصیلات که جامعه پذیری دانشگاهی در آن فرآیند شکل می‌گیرد، بر مشارکت اجتماعی افراد تأثیرگذار است. لذا در این پژوهش پس از بررسی نظریه‌های مربوط به جامعه پذیری دانشگاهی، به نظریه‌های مشارکت اجتماعی پرداخته شده است. مدل نظری تحقیق نیز به صورتی است که ارتباط بین جامعه‌پذیری دانشگاهی را به عنوان متغیر مستقل تحقیق و مشارکت اجتماعی متغیرهای وابسته شامل عضویت در سمن‌ها، حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی، مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها و تبادل نظر در حوزه اجتماعی را بررسی می‌نماید.

^۱Inglehart
^۲Hantington
^۳Axelord
^۴Khon
^۵Verba
^۶Nie

مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

بین جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

۱. بین تعاملات و ارتباطات در حوزه علم و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۲. بین علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۳. بین موفقیت علمی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۴. بین اصول و ارزش های اخلاق علمی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
۵. بین طبقه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

جامعه پذیری دانشگاهی

تعریف نظری: فرآیندی است که طی آن افراد دانش ها، بینش ها، باورها، ارزش ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص محیط علمی را طی کنش و واکنش هایی با نهادهای رسمی و غیر رسمی کسب و آن را

جزو شخصیت خود می کنند و باعث می شود که کم و بیش به عنوان افرادی موثر در جامعه خویش ایفای نقش کنند. (ویدمن، ۲۰۰۸)

تعریف عملی: در این پژوهش به منظور رسیدن به تحلیل جامعی از جامعه پذیری دانشگاهی از ۴ متغیر استفاده شده که به یک شاخص تجمعی تبدیل شده است: ۱- تعاملات و ارتباطات در حوزه علم، ۲- موفقیت علمی، ۳- ارزش های و اصول اخلاق علمی و ۴- علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی.

۱. تعاملات و ارتباطات در حوزه علم

در این پژوهش تعاملات و ارتباطات در سه سطح با ۱- دانشجویان، ۲- اساتید و ۳- در محیط دانشگاه.

۲. موفقیت علمی

در این پژوهش موفقیت علمی با سه متغیر نوآوری و تولید علمی، خود اثربخشی و پویایی علمی سنجیده می شود.

۳. ارزش های و اصول اخلاقی علمی (رزنیک)

رزنیک^۱، برای معیارها و اصول اخلاقی علم دوازده اصل را توضیح می دهد که در صورت رعایت آنان از سوی فرد دانش پذیر می توان ادعا کرد که وی در جریان فرآیند جامعه پذیری دانشگاهی تا حد زیادی موفق به کسب هنجارها و ارزش های علمی شده است. که عبارت اند از: صداقت، دقت، آزادی، اعتبار و پاداش، وسعت نظر، تربیت، مسئولیت اجتماعی، قانونمندی، فرصت، احترام دوجانبه، کارایی و احترام به موضوعات. (Resnik DB (۱۹۹۸). به نقل از ودادهیر، ۱۳۸۷)

۴- علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی

مشارکت اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده اند. فرآیندی که در آن احاد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهم شدن آنها در منابع اجتماعی می شود در آن شرکت می کنند (غفاری، ۱۳۸۴: ۴۲۹). مشارکت اجتماعی اشاره دارد به انواع گروه ها و انجمن هایی که افراد می توانند در آن ها مشارکت کنند و یا روابط غیر رسمی که افراد می توانند با دیگران مثل خانواده، همسایه و غیره داشته باشند (پوتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

^۱ Resnik

ب) تعریف عملیاتی: در این پژوهش به منظور سنجش میزان مشارکت و عضویت سازمانی افراد به بررسی میزان مشارکت و عضویت آن‌ها در امور مختلف پرداخته می‌شود. (فعالیت در سمن‌ها، حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی، مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها و تبادل نظر در حوزه اجتماعی)

پایگاه اقتصادی - اجتماعی

الف) تعریف مفهومی: پایگاه اجتماعی - اقتصادی، پایگاهی است که فرد در میان یک گروه دارد یا به مرتبه اجتماعی - اقتصادی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر گفته می‌شود. به بیان دیگر، موقعیتی که یک فرد یا خانواده با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد مؤثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (کوئن، ۱۳۸۰: ۲۴۰). به عبارت دیگر، طبقه اجتماعی به مجموعه افرادی گفته می‌شود که از لحاظ شغل، درآمد و ثروت در موقعیت مشابهی باشند.

ب) تعریف عملیاتی: به منظور سنجش این متغیر، شاخصی براساس منطقه، میزان درآمد خانواده، مرتبه شغلی و میزان تحصیلات والدین پاسخگو ساخته شد که جایگاه خانواده پاسخگویان را در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه نشان می‌دهد.

جدول ۱: ابعاد و مولفه‌ها و سطح سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی

متغیر	ابعاد	مولفه‌ها	شاخص	سطح سنجش
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	وضعیت اجتماعی و فرهنگی	منزلت شغلی	منزلت شغلی والدین	ترتیبی
		پایگاه تحصیلی	تحصیلات والدین	ترتیبی
	وضعیت اقتصادی	درآمد	درآمد خانواده	نسبی

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایشی و از تکنیک پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانشجویان ۱۸ تا ۲۹ سال در گروه‌های آموزشی علوم انسانی و هنر، علوم پایه، فنی و مهندسی و علوم پزشکی دانشگاه تهران می‌باشد که بر اساس آمار آموزش دانشگاه تهران، ۳۴۰۰۰ نفر در همه رده‌های سنی بودند، اما در این تحقیق فقط جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال به عنوان نمونه آماری قرار گرفتند و حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ به دست می‌آمد.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{n} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

ضریب اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه را بیشتر خواهد کرد.

روش نمونه گیری در این پژوهش، خوشه ای چند مرحله ای و تصادفی ساده می باشد؛ به این صورت که از میان گروه های آموزشی دانشگاه تهران، چهار گروه علوم انسانی و هنر، علوم پزشکی، فنی و مهندسی و علوم پایه تعیین گردیدند و بر اساس نمونه گیری تصادفی انتخاب و از میان دانشکده های مرتبط با هر کدام از گروه های آموزشی برای مثال علوم پزشکی (پزشکی و پرستاری و مامایی)، گروه آموزشی علوم اجتماعی و رفتاری (دانشکده های ادبیات، کارآفرینی و جغرافیا)، علوم (دانشکده های فیزیک، بیوتکنولوژی و زمین شناسی) و گروه آموزشی فنی و مهندسی (دانشکده های مهندسی عمران، علوم مهندسی و مهندسی صنایع) را بر اساس نمونه گیری تصادفی انتخاب و سپس در میان دانشجویان به تناسب تعداد و متغیرجنسیت (زن و مرد) آنها پرسشنامه توزیع گردید.

در این کار ابتدا ۳۰ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر برای سنجش میزان آلفای کرونباخ پخش شد و پس از محاسبه میزان آلفای کرونباخ، حدود ۳۸۴ پرسشنامه میان افراد جامعه مورد نظر توزیع گردید.

جدول ۲: ضریب آلفای گویه های مربوط به هر یک از متغیرها

تبادل نظر در حوزه اجتماعی	مشارکت در تصمیم گیری و تصمیم سازی	حضور فعال در عرصه های اجتماعی	فعالیت در سمن ها	اصول و ارزش های اخلاق علمی	موفقیت علمی	علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی	تعاملات و ارتباطات در حوزه علم	گویه ها
۰/۷۱	۰/۷۹۶	۰/۸۴۶	۰/۷۲	۰/۹۳۷	۰/۷۷۷	۰/۸۷۵	۰/۷۸۶	ضریب آلفای کرونباخ

توصیف ویژگی های جامعه مورد مطالعه

تعداد نمونه آماری در این پژوهش، ۳۸۲ نفر است که از این تعداد، ۵۰ درصد مرد و ۵۰ درصد زن بوده اند.

بنابراین جامعه نمونه دارای تناسب در ترکیب جمعیتی می باشد.

بیشتر گروه نمونه به لحاظ وضعیت تاهل، مجرد (۷/۸۱ درصد) بوده اند و تنها ۱۸/۲ درصد آن را افراد

متاهل تشکیل می دادند- البته ۱/۱ درصد نیز به این پرسش، پاسخ سایر (مطلقه و همسر فوت شده) داده اند.

بیشترین تعداد پاسخ گویان (۵۷/۵ درصد) دانشجوی کارشناسی ارشد، کمترین تعداد (۶ درصد) دانشجوی دکتری و ۳۶/۵ درصد دانشجوی لیسانس بودند.

میانگین سن دانشجویان نمونه آماری ۲۴ سال است. کم سن ترین ۱۹ ساله و بیشترین سن ۲۹ ساله است. ۳۵ نفر به سوال میزان درآمد خانواده پاسخ نداده اند. میانگین میزان درآمد خانواده یک میلیون و هشتصد هزار تومان، حداقل یک میلیون تومان و حداکثر شش میلیون تومان گزارش گردید. در مجموع، حدود ۴۳/۱ درصد از پاسخگويان در پایگاه اقتصادی- اجتماعی پایین، ۳۶ درصد در طبقه متوسط و ۲۰/۹ درصد نیز در پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالا قرار داشتند.

مشارکت اجتماعی

در بین ابعاد مورد نظر مربوط به شاخص مشارکت اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به حضور فعال در عرصه های اجتماعی با میانگین ۶۳/۳ بوده است. تبادل نظر در حوزه اجتماعی با میانگین ۴۶/۳، مشارکت در تصمیم گیری و تصمیم سازی ها در جامعه مورد مطالعه ۴۴/۳ و فعالیت در سمن ها ۲۱/۳ بوده و میزان حضور فعال در عرصه های اجتماعی در بین دانشجویان تقریباً در حد متوسط رو به بالا می باشد.

یافته های پژوهش

نتایج فرضیات: در مورد رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، نتایج حاصل شده از آزمون ها که با توجه به سطح متغیرها از آزمون های پیرسون و اسپیرمن و تی تست استفاده شده است، در جدول زیر به طور خلاصه آمده است:

جدول ۳: خلاصه آزمون فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب	قبولی یا ردی
۱	بین جنسیت و مشارکت اجتماعی	تی تست	۰/۱۰۵	۲/۶۶۷	رد
۲	بین سن و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۱	-۰/۳۸۱	تایید
۳	بین مقطع تحصیلی و مشارکت اجتماعی	اسپیرمن	۰/۰۶۰	۰/۰۹۲	رد
۴	بین تعاملات و ارتباطات در حوزه علم و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۲	۰/۳۸۷	تایید
۵	بین علاقه مندی و لذت بردن از محیط علمی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۱۶۶	۰/۰۷۱	رد
۶	بین موفقیت علمی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۱۹	۰/۲۱۶	تایید
۷	بین اصول و ارزش های اخلاق علمی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۱	۰/۲۰۵	تایید
۸	بین طبقه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت اجتماعی	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۷۵	تایید

تایید	۰/۲۱۹	۰/۰۱۸	پیرسون	بین جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی	۹
-------	-------	-------	--------	---	---

با مشخص نمودن سطح سنجش هرکدام از متغیرهای مستقل نسبت به متغیر وابسته (فاصله ای) به ذکر نوع آزمون مربوط به هرکدام از فرضیات پرداخته می شود:

بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و جنسیت پاسخگویان

فرضیه اول: تفاوت معناداری بین مشارکت اجتماعی دانشجویان بر حسب جنسیت آنان وجود دارد.

از آنجا که مشارکت اجتماعی دارای سطح سنجش فاصله ای و جنسیت دارای سطح سنجش اسمی و دو وجهی می باشد، برای بررسی مشارکت اجتماعی بر حسب جنسیت از آزمون آماری t مستقل استفاده می شود. نتایج تست لیون^۱ نشان می دهد که سطح معناداری به دست آمده برابر است با: $۰/۱۰۵$ ؛ به این معنی که تفاوت معناداری بین مشارکت اجتماعی پاسخگویان در دو گروه زنان و مردان وجود ندارد.

بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و سن پاسخگویان

فرضیه دوم: هر چه سن دانشجویان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می یابد.

نتایج به دست آمده از ماتریس آزمون پیرسون نشان می دهد که با ۹۵ درصد اطمینان و ضریب همبستگی $-۰/۳۸۱$ ، سطح معناداری به دست آمده برابر است با $۰/۰۰۱ = sig$. به این ترتیب رابطه معناداری بین سن دانشجویان و میزان مشارکت اجتماعی آنان وجود دارد. همچنین، علامت منفی ضریب همبستگی نشان می دهد که افزایش سن دانشجویان رابطه معکوسی با میزان مشارکت اجتماعی آنان دارد.

بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و تحصیلات پاسخگویان

فرضیه سوم: هر چه سطح تحصیلات دانشجویان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می یابد.

از آنجای که تحصیلات دارای سطح سنجش رتبه ای است، برای بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی دانشجویان با سطح تحصیلات آنها، از آزمون اسپیرمن برای بررسی رابطه بین این دو متغیر استفاده می شود. سطح معناداری به دست آمده برابر با $۰/۰۶۰$ و ضریب همبستگی برابر با $۰/۰۹۲$ است. از آنجای که سطح معناداری بیشتر از $۰/۰۵$ است، لذا می توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر تحصیلات و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود ندارد.

^۱ Levens Test

بررسی رابطه مشارکت اجتماعی با متغیرهای مستقل

برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر آورده شده است.

بین تعاملات و ارتباطات در حوزه علم و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. بین تعاملات و ارتباطات در حوزه علم و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/002$) و ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/387$ درصد است که رابطه به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ یعنی بین تعاملات و ارتباطات در حوزه علم و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه میزان تعاملات و ارتباطات در حوزه علم افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود.

بین موفقیت علمی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین موفقیت علمی در حوزه علم و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/019$) و ضریب همبستگی پیرسون که برابر با $0/216$ درصد است که رابطه به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ یعنی بین موفقیت علمی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه موفقیت علمی افزایش یابد میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود.

بین اصول و ارزش های اخلاق علمی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین اصول و ارزش های اخلاق علمی در حوزه علم و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/001$) و ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/205$ درصد است که رابطه به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ یعنی بین اصول و ارزش های اخلاق علمی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه اصول و ارزش های اخلاق علمی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود.

بین علاقه مندی و لذت بردن و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین علاقه مندی و لذت بردن و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/166$) و ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/071$ درصد است که رابطه به صورت منفی می باشد؛ یعنی بین علاقه مندی و لذت بردن و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد.

بین طبقه اقتصادی - اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین طبقه اقتصادی- اجتماعی در حوزه علم و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/375$ درصد است که رابطه به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ یعنی بین طبقه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه طبقه اقتصادی- اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود.

بین جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین جامعه پذیری دانشگاهی در حوزه علم و مشارکت اجتماعی دانشجویان رابطه معنی داری وجود دارد ($\text{sig} = 0/018$) و ضریب همبستگی پیرسون برابر با $0/219$ درصد است که رابطه به صورت مثبت و مستقیم می باشد؛ یعنی بین جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و هرچه جامعه پذیری دانشگاهی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی نیز بیشتر می شود.

جدول ۴: همبستگی پیرسون

همبستگی	جامعه پذیری	مشارکت	تعامل	موفقیت	ارزش	علاقمندی	حضور	سمن	تبادل	تصمیم
همبستگی مشارکت معناداری	۱	*۲۱۹ ۰۱۸	**۷۳۸ ۰۰۰	**۷۹۹ ۰۰۰	**۵۱۳ ۰۰۰	**۷۱۷ ۰۰۰	-۰۴۵ ۵۹۹	*۱۹۵ ۰۳۱	**۴۲۸ ۰۰۰	۰۶۶ ۴۷۲
همبستگی جامعه پذیری معناداری		۱	*۱۸۵ ۰۴۵	*۲۱۶ ۰۱۹	*۲۰۷ ۰۲۴	۱۶۶ ۰۷۱	**۸۰۲ ۰۰۰	**۷۵۶ ۰۰۰	**۶۹۹ ۰۰۰	**۶۲۳ ۰۰۰
همبستگی تعامل معناداری			۱	۵۶۴ ۰۰۰	**۲۹۹ ۰۰۱	**۳۸۲ ۰۰۰	-۰۵۱ ۵۷۷	*۱۹۵ ۰۳۱	**۳۵۱ ۰۰۰	**۰۲۱ ۸۱۸
همبستگی موفقیت معناداری				۱	**۳۰۵ ۰۰۰	**۳۶۴ ۰۰۰	-۰۰۶ ۹۴۵	**۲۶۷ ۰۰۳	**۲۶۲ ۰۰۳	۰۷۷ ۳۹۹
همبستگی ارزش معناداری					۱	**۳۰۷ ۰۰۰	۰۹۸ ۲۷۷	۰۴۸ ۳۵۵	**۳۱۵ ۰۰۰	**۱۷۹ ۰۴۸
همبستگی علاقمندی معناداری						۱	-۰۳۹ ۶۶۵	۰۹۵ ۲۹۲	**۴۰۷ ۰۰۰	-۰۱۳ ۸۸۵

همبستگی حضور معناداری		۱	**۴۴۲ ۰۰۰	**۳۶۴ ۰۰۰	**۳۳۰ ۰۰۰
همبستگی سمن معناداری			۱	**۴۱۷ ۰۰۰	**۳۲۶ ۰۰۰
همبستگی تبادل معناداری				۱	**۳۵۲ ۰۰۰

همبستگی در سطح ۰,۰۵ معنی دار است. *
همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است. **

آزمون فرضیه چند متغیره: آزمون رگرسیون چندگانه

در تحلیل رگرسیون چندگانه، با استفاده از روش همزمان (در سطح معناداری قابل قبول) با ترسیم معادله رگرسیون استاندارد می توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل به اندازه ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت. در تحلیل رگرسیون چندگانه، کلیه متغیرهای مستقل و زمینه ای به عنوان متغیر مستقل و مشارکت اجتماعی جوانان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

مدل	R	R ^۲	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۴۲	۰/۴۱۲	۰/۳۶۴	۱/۲۱۴۳

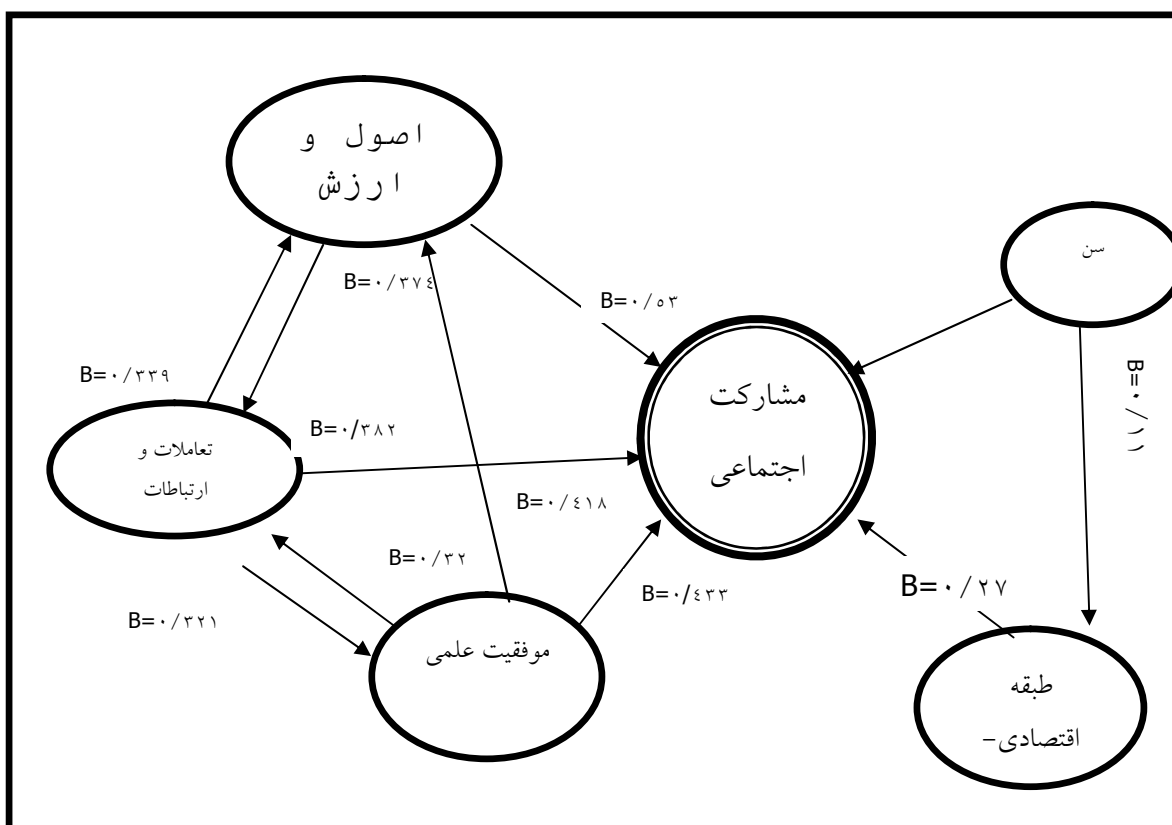
جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی

ضرایب	مجموع مجذورات	df	میانگین	F	سطح معناداری
رگرسیون	۸۴۵.۵۶۷۲	۵	۵۶۹.۱۱۳۴	۳۲۲.۳	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱.۱۳۴۲۳۵	۳۹۳	۵۶۵.۳۴۱		
کل	۹.۱۳۹۹۰۷	۳۹۸	۰		

جدول ۷: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره مشارکت اجتماعی دانشجویان

سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		عنوان متغیر
		Beta	اشتباه استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۱/۰۰۱	-	۰/۳۶۴	۰/۳۶۴	عدد ثابت (Constant)
۰/۰۱۰	۶۰۱.۲	۳۸۲.۰	۴۵۴.۰	۱۸۱.۰	تعاملات و ارتباطات در حوزه علم
۰/۰۰۰	۸۳۲.۶	۰/۵۳۳	۰/۰۴۹	۰/۳۳۲	اصول و ارزش های اخلاق علمی
۰/۰۰۰	۰۸۳.۲	۴۳۳.۰	۱۵۰.۰	۳۱۳.۰	موفقیت علمی
۰/۹۶۹	۰/۳۹۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۹/۴۰	علاقتمندی و لذت بردن از محیط علمی
۰/۰۰۰	۳۹۵.۱	۱۴۷.	۰۹۱.۰	۱۲۷.	طبقه اقتصادی- اجتماعی
۰/۰۰۸	۰/۲۹۵	۰/۲۹۵	۰/۰۷۳	۰/۰۲۱	سن

مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی



تفسیر

بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل جامعه پذیری دانشگاهی موثر بر میزان مشارکت اجتماعی می توان گفت:

۱. میزان مشارکت اجتماعی تحت تأثیر مستقیم اصول و ارزش های اخلاقی (به میزان ۰/۵۳۳) و تعاملات و ارتباطات (به میزان ۰/۲۱۸)، طبقه اقتصادی- اجتماعی (به میزان ۰/۲۷۴)، موفقیت علمی (به میزان ۰/۴۳۳) و سن (به میزان ۰/۲۹۵) می باشد.
۲. شاخص اصول و ارزش های اخلاقی تحت تأثیر مستقیم تعاملات و ارتباطات (به میزان ۰/۳۳۹) و موفقیت علمی (به میزان ۰/۴۱۸) می باشد.
۳. شاخص تعاملات و ارتباطات تحت تأثیر مستقیم اصول و ارزش های اخلاقی (به میزان ۰/۳۳۹) و موفقیت علمی (به میزان ۰/۳۲۱) است.
۴. شاخص موفقیت علمی نیز تحت تأثیر مستقیم اصول و ارزش های اخلاقی (به میزان ۰/۳۲۱) قرار دارد.
۵. طبقه اقتصادی- اجتماعی تحت تأثیر مستقیم شاخص سن (به میزان ۰/۱۱۳) می باشد.

جدول ۸: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (β_i) بر میزان مشارکت اجتماعی							
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم	اثرات غیر مستقیم					تأثیر مستقیم	تأثیر جامعه پذیری دانشگاهی بر مشارکت اجتماعی
	تعاملات و ارتباطات	موفقیت علمی	طبقه اقتصادی- اجتماعی	سن	اصول و ارزش های اخلاقی		
۱/۳۲۵	-	۰/۴۱۸	-	۰/۳۷۴	-	۰/۵۳۳	اصول و ارزش های اخلاقی
۰/۸۷۸	-	۰/۳۲۱	-	-	۰/۳۳۹	۰/۲۱۸	سن
۰/۵۴۶	۰/۱۱۳	-	-	-	-	۰/۲۷۴	طبقه اقتصادی- اجتماعی
۰/۷۵۴	-	-	-	۰/۳۲۱	-	۰/۴۳۳	موفقیت علمی
۰/۳۸۲	-	-	-	-	-	۰/۳۸۲	تعاملات و ارتباطات
-	۰/۱۱۳	۰/۷۳۹	-	۰/۶۹۵	۰/۳۳۹	۱/۸۴۰	مجموع تأثیرات

طبق جدول ۵ سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان دانشجویی، به ترسیم نیکویی برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی ترین تأثیر بر مشارکت اجتماعی جوانان دانشجویی، می توان به تأثیر مستقیم متغیر اصول و ارزش های اخلاقی با میزان ۰/۵۳۳، سن به میزان ۰/۲۱۸، طبقه اقتصادی- اجتماعی به میزان ۰/۲۷۴، موفقیت علمی به میزان ۰/۴۳۳ و تعاملات و ارتباطات ۰/۳۸۲

اشاره کرد. اثرات غیرمستقیم شاخص های اصول و ارزش های اخلاقی (۱/۳۲۵)، سن (۰/۸۷۸)، طبقه اقتصادی - اجتماعی (۰/۵۴۶) و موفقیت علمی به میزان (۰/۷۵۴) است.

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر $(R^2 = 1 - e^2 = 1 - 0.588 = 0.412)$ عدد ۰/۴۱۲ را نشان می دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۴۱/۲ درصد از واریانس میزان مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده (۰/۴۱۲ = مقدار واریانس تبیین شده) و ۴۱/۲ درصد واریانس میزان مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش بینی نشده اند (۰/۴۱۲ = ۱ - ۰/۵۸۸ = مقدار واریانس تبیین نشده). بنابراین همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب تعیین برابر است با: $R^2 = 0.41$ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می توانند تا ۴۱ درصد میزان مشارکت اجتماعی را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۵۹ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است. می توان نتیجه گیری کرد که مهمترین عواملی که برای بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان باید روی آنها تاکید کرد، عبارت اند از: تعاملات و ارتباطات در حوزه علم، میزان تعاملات و ارتباطات در حوزه علم، طبقه اقتصادی - اجتماعی و اصول و ارزش های اخلاق علمی، چرا که اثرگذاری مستقیم این عوامل به طور آشکار بیشتر از اثرگذاری سایر عوامل بر مشارکت اجتماعی دانشجویان است.

نتیجه گیری

جامعه پذیری، فراگردی است که طی آن فرد به کسب هویت نایل و با پذیرفتن ارزش ها، هنجارها، آرمان ها و شیوه های زندگی، تحت شرایط مطلوب قادر به تحقق استعدادهای بالقوه خود می شود. اگر جریان اجتماعی شدن با موانعی رو به رو شود به محدودیت رشد فردی می انجامد. به هر حال، جامعه پذیری برای فرد شرطی اجتناب ناپذیر در امر خود آگاهی و تشکیل هویت محسوب می شود. دانشگاه با پرورش انسان های توانا و فرهیخته و آموزش نخبگان و برگزیدگان یک جامعه، مهمترین نهاد آموزشی در توسعه علمی است.

طبق پژوهش حاضر بر روی دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران، جامعه پذیری دانشگاهی که در دانشگاه روی می دهد با مشارکت اجتماعی دانشجویان جوان ارتباط مستقیمی دارد. برای بررسی دقیق تر ابعاد جامعه پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی و تاثیر عوامل به طور جداگانه، فرضیات مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند. نتیجه این تحقیق نشان داد که بیشترین و قوی ترین

عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی جوانان دانشجو عبارت اند از: اصول و ارزش های اخلاقی با میزان ۰/۵۳۳، سن به میزان ۰/۲۱۸، طبقه اقتصادی- اجتماعی به میزان ۰/۲۷۴، موفقیت علمی به میزان ۰/۴۳۳ و تعاملات و ارتباطات به میزان ۰/۳۸۲. ۴۱/۲ درصد واریانس میزان مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش بینی نشده اند.

هنجارپذیری دانشگاهی از عوامل موثر بر توسعه علمی است؛ یعنی بین چگونگی و مختصات هنجارپذیری دانشگاهی و میزان رشد و توسعه تولیدات علمی رابطه وجود دارد. حرکت در مسیر تحقق دانشگاه تمدن ساز و تربیت دانشجویان توانمند و تقویت کارکردهای دوگانه دانشگاه (تولید علم و تولید فرهنگ) نیازمند تقویت و ارتقای هنجارها و ارزش های جامعه پذیری دانشگاهی است. جوانان دانشجو به عنوان یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین اقشار جامعه باید بتوانند به کسب دانش و بینش علمی بپردازند و آن را در حیطه عمل بکار بگیرند و در عرصه محیط اجتماعی فعال باشد و مشارکت اجتماعی بیشتری داشته باشد. دو ویژگی جوان بودن دانشجویان و قرار گرفتن مستمر در معرض اطلاعات و توجه به جایگاه ویژه دانشجویان در شکل دهی به تحولات و انتقال ایده های علمی در سطح جامعه اهمیت بررسی موضوع را نمایان می کند. طی فرایند جامعه پذیری دانشگاهی، ارزش ها، هنجارها، نگرش ها و نمادهای اجتماعی توسط جوانان دانشجو فرا گرفته می شوند و آنها را ترغیب به مشارکت بیشتر می نمایند. در این فرایند شیوه های عمل در موقعیت های گوناگون آموخته می شوند و افراد شیوه انطباق با شرایط متنوع زندگی اجتماعی را فرا می گیرند. به واسطه فرایند اجتماعی شدن است که فرهنگ جامعه طی نسل ها دست به دست و متحول می شود. بررسی ارزش های مساعد با توسعه علمی، فرآیند انتقال ارزش ها و هنجارها به اعضای جامعه و ارزیابی میزان پذیرش و درونی شدن این ارزش ها و انجام کنش های اجتماعی براساس آن ها، ماحصل جامعه پذیری دانشگاهی می باشد.

منابع

- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام
- سرمست، محمد. (۱۳۹۶). *عوامل فرهنگی موثر بر مشارکت کارکنان صدا و سیما در فعالیت‌های فرهنگی*. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- عنبرسوز، افسانه. (۱۳۸۸). *"تبیین مشارکت اجتماعی دانشجویان در فعالیت های فوق برنامه"*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی مشارکت*. تهران: نشر نزدیک
- قانع‌راد، محمد امین و ابراهیم آبادی، حسین. (۱۳۸۹). *"تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان"*. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران. سال دوم، شماره ۴.
- قانع‌راد، محمد امین و قاضی پور، فریده. (۱۳۸۱). *"عوامل هنجاری و سازمانی موثر بر میزان بهره‌وری اعضای هیئت علمی"*. فصلنامه پژوهش فرهنگی. شماره ۴.
- قانع‌راد، محمد امین. (۱۳۸۵). *"وضعیت اجتماع علمی در رشته جامعه‌شناسی"*. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۷.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۰). *مبانی جامعه‌شناسی*. غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت
- موسوی، میرطاهر و علی پور، پروین. (۱۳۹۱). *تاملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- ودادهیر، ابوعلی و همکاران. (۱۳۸۷). *"تأملی بر جامعه‌شناسی اخلاق در علم، فناوری مرتن و رزینیک"*. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. سال سوم، شماره‌های ۳ و ۴.
- وکیل‌ها، سمیرا. (۱۳۹۵). *"موانع و محدودیت‌های ساختاری در تعهد به اخلاق شهروندی"*. رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران. (۱۳۸۹). *"تاثیر مسائل و چالش‌های محیط علمی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش علمی"*. ش ۵۵.

- Cannavo, L. (1997). **"Sociological Models of Scientific Knowledge"**. *International Sociology*, 12(4): 470-496.
- Manfred, Josef. (2011). **Contextualization an Approach to Improve Participation in Urban Planning Processes.**
- Robert, A. Rhoad, Mi Zheng and Xiaoyang, Sun. (2017). **The methodological socialization of social science doctoral students in China and the USA, High Educ (2017).** 73:330-351 DOI 10.1007/s11241-016-0023-y.
- Tierney, W. G. , and Rhoads, R. A. (1994). **"Faculty socialization as cultural process: A mirror of institutional commitment"**. ASHE-ERIC Higher Education Report, no. 93-6. Washington,DC: The George Washington University, School of Education and Human Development.
- Weidman and Elizabeth Stein, L. (2003). **"Socialization of doctoral student to academic norms"**. *Research in Higher Education*, Vol. 44, No. 6, December.
- Weidman, J. C. , D. J. Twale and Stein, E. I. (2001). **"Socialization of Graduate and Professional Students in Higher Education-A Perilous Passage?"**. ASHE-ERIC Higher Education Report, No. 28(3), Washington, DC: The George Washington University, School of Education and Human Development.
- Weidman. J. c, Twale. D. J, Stein. E. L. (2001). **"Socialization of graduate and professional student in higher education"**. ASHE-ERIC higher education report volume 28, Number 3, jossey-bass wilery company San Francisco.

A Study on the Relationship between Academic Socialization and Social Participation among Young Students of University of Tehran

Sohrab Rashtiani

Master Degree in Educational Management, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Hamid Rahimian

Ph.D., Associate Professor, Educational Planning and Management Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Abbas Abbaspour

Ph.D., Associate Professor, Educational Planning and Management Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran

Received: 19 Mar. 2018

Accepted: 1 May 2018

The tendency to college education among young people has continued to increase. On the other hand, social participation has also undergone many changes over recent years. As a science and production center, the university affects the student's most individual and collective behavior. The purpose of this study is "A Study on the Relationship between Academic Socialization and Social Participation among young students of University of Tehran". The statistical population of this research is all students of Tehran University in four groups of humanities, basic sciences, engineering, engineering sciences and medical sciences. 382 students were selected according to the Cochran sampling formula. The research was conducted using descriptive survey method. In theoretical foundations, related theories are used and, at the end of the research theoretical model is designed. The data gathering tool was a questionnaire that was distributed among respondents after validation and reliability. Data were analyzed by descriptive and inferential statistics and analyzed using SPSS software. According to the level of variables, Pearson test was used. Finally, according to the beta of the regression model, the effect of independent variables is as follows: Ethical principles and values with the rate of beta (0.33/), age (218/), socioeconomic level (0.274), scientific success rate (0.433/), interaction and communication (382/0) affects the level of social participation of student youth, and the coefficient of determination is equal to: $r^2 = 0.41$.

Key Words: Academic Socialization, Social Participation, Students and Youth